



دکتر فرهاد فزونی - اولین دبیر کل و رئیس هیئت مدیره سابق اتحادیه

اقتصادی

مناسبات

نقش

و سازوکارهای

تجربه در ایران

مناسبات اقتصادی مجموعه‌ای از مبادلات بسته‌های حقوق مالکیت است که به تناسب پیشرفت جوامع، مکانیسم‌ها و ابزارهایی نظیر سنت، بازار، دولت و نهادها آنها را ساماندهی می‌کنند. در طول تاریخ با پیشرفت جوامع

و پیچیده و تخصصی شدن مباحث در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، در بکارگیری این مکانیسم‌ها تغییرات جدی به‌وجود آمد و ابزارهای جدیدی برای تنظیم این مناسبات به‌وجود آمد و زمینه شکل‌گیری نهادها و سازمانهای غیردولتی در عرصه‌های ملی و جهانی مطرح شد و زمینه ورود آنها به عرصه سیاستگذاری، تنظیم‌گری، نظارت و انجام برخی فعالیتها فراهم گردید. نقش و اهمیت این سازمان‌ها در جامعه و اقتصاد قابل توجه است و از آنها به عنوان منابع نامشهود ثروت یاد می‌شود. یادآوری کنیم دانایان منابع ثروت یک کشور را به سه دسته تقسیم می‌کنند که منابع طبیعی، منابع فیزیکی و منابع نامشهود از جمله آنهاست. در ایران، منابع طبیعی ۵۴ درصد ثروت کشور را تشکیل میدهد و سهم منابع نامشهود از ثروت در ایران ۱۲ درصد است. اما در ۶۶ کشور ثروتمند جهان که ۷۸ درصد ثروت دنیا را دارا هستند، ۸۰ درصد ثروت آنان به منابع نامشهود مربوط است و سهم منابع طبیعی و فیزیکی به ترتیب ۱۶ و ۳ درصد است. در ۴۳ کشور کم درآمد دنیا که ۱ درصد ثروت جهان را در اختیار دارند، سهم منابع نامشهود ۵۶ درصد و سهم منابع فیزیکی و طبیعی به ترتیب ۱۴ و ۳۶ درصد است. مقایسه این نسبتها با ایران قابل تأمل است. با توجه به سهم ۱۲ درصدی منابع نامشهود از ثروت، این رقم از میانگین کشورهای کم درآمد که ۵۰ درصد است هم کمتر است. بنابراین در ایران با توجه به پایین بودن این سهم، اگر بهبودی در این شاخص فراهم شود، وضعیت کل ثروت کشور ارتقاء خواهد شد.

در ایران حرکت به سمت صنعتی شدن و تقویت نقش بخش صنعت در اقتصاد ایران و دارا بودن رشد پایدار از سال ۱۲۹۹ (اواسط قرن ۱۹) آغاز شد ولی هنوز تا صنعتی شدن فاصله بسیار وجود دارد. این دوره در بریتانیا ۵۸ سال، در امریکا ۴۸ سال، در برزیل، کره جنوبی و چین به ترتیب ۲۰، ۱۱ و ۱۰ سال طول کشید. کشورهایی پر تلاش با پذیرش برخی واقعیتها و با استفاده از دانش و تجربه کشورهای دیگر تلاش کردند در مدت زمان کمتری، فرآیند گذار را پشت سر بگذارند. این کشورها ابتدا با ایجاد عزم ملی و وحدت نظر، پذیرفتند که اگر قرار است توسعه و رشد پایدار اقتصادی فراهم شود، باید اصول این اهداف پذیرفته شوند. لذا با پذیرش این موضوع در مدار چرخه توسعه حرکت کردند.

این مدار دارای ۴ رکن اساسی تحت عنوان هدف، سیاست، منابع و سازمان است. نقش سازمان در این میان از این حیث مهم است که در اجرای موفقیت آمیز سیاست‌ها و بهره‌گیری از منابع و امکانات محدود، تعیین کننده است و در دستیابی به اهداف توسعه نقش کلیدی دارد و اگر خوب عمل نکند، خود میتواند به عنوان یک مانع توسعه باشد. انجمن‌ها، تشکلهای تخصصی و بخشی که از آنها به عنوان منابع نامشهود ثروت یاد می‌شود در این مقوله می‌گنجند.

متأسفانه ایران از این حیث در مراحل ابتدایی قرار دارد و در حال پیمودن مسیر تکامل است. البته این موضوع تاکنون دچار فراز و فرود بسیاری شده و بعضاً دولتهای مختلف در خصوص بهره‌مندی از دانش و تجربه تشکلهای و تقویت نقش آنها در سیاستگذاری و قانون‌گذاری به صورت سلیقه‌ای عمل

برای فعالیت‌های بخش خصوصی فراهم شد. اما، همان‌طور که از ابتدا پیش‌بینی کرده بودیم و مکرراً هم یادآور شده بودیم، قانون مذکور در رسیدن به اهداف خود موفق نبود. امروزه و پس از گذشت ۱۳ سال بسیاری معتقدند که تنها بخشی از این قانون که خصوصی‌سازی نام گرفت و اجرا شد یک پروژه شکست‌خورده است.

در سال ۱۳۹۰ که قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار تصویب شد زمینه قانونی ورود تشکلهای به عرصه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری فراهم گردید که متأسفانه این نیز بعضاً در عمل درگیر تصمیمات سلیقه‌ای دولت‌ها شده است و ابتدائی‌ترین مواد این قانون (مواد ۲ و ۳) که زیر بنای حضور بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها می‌باشند، نا دیده گرفته می‌شوند. اما با گفتار درمانی و در قالب انواع بخشنامه‌ها به دستگاه‌های اجرایی یادآوری می‌شود تا از ظرفیت بخش خصوصی در امر سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات استفاده کنند. بنابراین برغم آن که در سالیان اخیر برای بهره‌مندی از ظرفیت تشکلهای بخش خصوصی در عرصه سیاست‌گذاری، مقررات‌گذاری و قانون‌گذاری بسترهای قانونی مناسبی فراهم شدند، این مهم، عملی نشده است و همچنان نبود اعتقاد و اعتماد به امر مشارکت بخش خصوصی در برنامه‌ریزی، دولتی‌نگری و در نتیجه عدم موفقیت‌ها در نبود عزم و انسجام ملی برای توسعه صنعتی، نداشتن برنامه بلندمدت برای توسعه، و وجود برخی ضعف‌ها در بخش خصوصی ادامه دارد.

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی از جمله تشکلهای فراگیر بخش خصوصی است که اعضای آن از فضای کسب و کار مناسبی برخوردار نیستند که بخشی از آن ریشه در ماهیت ذاتی فعالیت صنعت نفت و گاز، به علت مالکیت دولت بر روی منابع نفت و گاز، است که در کشور به صورت انحصاری انجام شده و از ویژگی انحصار طبیعی برخوردار است. این شرایط در یک سری قوانین و نگاه دولتمردان به نفت و گاز ریشه دارد. به عنوان مثال در حال حاضر برخی از اعضای اتحادیه ماده اولیه و خوراک مورد نیاز فعالیت خود را با قیمت‌های بین‌المللی

نبود تضمین برای حقوق

مالکیت فردی و عدم اعتقاد

به آن، نبود محیط فعالیت

رقابتی، عدم تلاش توسط

دولت و حاکمیت از وقوع

شرایط رانتی، نبود برنامه

جامع برای توسعه کشور و

... باعث گردیده تا از ظرفیت

تشکلهای برای تعقیب اهداف

اقتصادی استفاده نشود و از

نقش آنها در خلق ثروت

غافل شوند

دریافت میکنند اما در قیمت‌گذاری، فروش محصول و مدیریت منابع ارزی خود از اختیار برخوردار نیستند و حقوق مالکیت آنها نادیده گرفته می‌شود. به طور کلی نبود تضمین برای حقوق مالکیت فردی و عدم اعتقاد به آن، نبود محیط فعالیت رقابتی، عدم تلاش توسط دولت و حاکمیت از وقوع شرایط رانتی، نبود برنامه جامع برای توسعه کشور و ... باعث گردیده تا از ظرفیت تشکلهای برای تعقیب اهداف اقتصادی استفاده نشود و از نقش آنها در خلق ثروت غافل شوند. با این توضیح برای موفقیت اتحادیه نیز پیشنهادات زیر ارائه میگردد:

- اتحادیه باید استقلال خود را از دولت و خصولتی‌ها حفظ کند.
- اتحادیه باید استراتژی توسعه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی را از دولت مطالبه کند و اگر چنین استراتژی تاکنون در کشور تدوین نشده است در تهیه آن با دولت مشارکت جدی کند.

● اتحادیه در کنار تلاش برای حل مسائل روزانه

اعضاء، باید پیگیری لازم را در اجرای دقیق قانون

خصوصی‌سازی، قانون بهبود مستمر فضای

کسب و کار و قانون رفع موانع تولید رقابت

پذیر ... به عمل آورد. در حذف موانع ورود بخش

خصوصی در صنایع بالادستی نفت و گاز اهتمام

بعمل آورد و باید از دولت و مجلس بخواهد که

امور تصدیگری پایین دستی نفت و گاز را به

بخش خصوصی واقعی واگذار کند . بدون تردید

اتحادیه برای مدیریت این موضوع باید برنامه

اجرایی و عملیاتی داشته باشد. در این خصوص

باید از دولت بخواهد وضعیت بهره‌وری خود را

در خصوص مدیریت بر بخش پایین دستی نفت

ارائه کند.

● اتحادیه باید ارتباطات تنگاتنگی را با قوه مجریه

و مقننه برقرار کند و ارتباطات ضابطه‌مندی

را با کمیسیون‌های تخصصی دولت و مجلس

(بخصوص مرکز پژوهش‌های مجلس) و دیگر

نهادهای سیاستگذاری ایجاد کند.

خصوصی‌سازی‌هایی که در صنعت نفت و گاز

شده است، خصوصی‌سازی واقعی نبوده‌اند. برای

اصلاح این روش اتحادیه باید تشکیل نهاد تنظیم

مقررات مستقل از دولت را مطالبه کند.

● اتحادیه باید برقراری ارتباطات بین‌المللی

گستردهای را با نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای

فراهم کند و محل اتصال شرکت‌های داخلی و

خارجی باشد.

● اتحادیه باید در کاهش هزینه مبادله اعضای

خود تلاش کند.

با توجه به مطالب فوق، روشن است که صنعتی

شدن فقط با وارد کردن و نصب ماشین‌آلات و

کارخانه‌ها حاصل نمی‌شود بلکه نیاز به این دارد

که شکل، روابط و مناسبات فعالیت‌ها نیز به

صورتی انجام شود که در آن نقش نهادها متوازن

و متعادل باشد. در ایران هنوز این تعادل نهادی

وجود ندارد و برقراری این تعادل نیاز به این دارد

تا یک سلسله زمینه‌های لازم فراهم آید. بخشی

از این بسترها باید توسط حاکمیت و دولت

به‌وجود آید و در ایجاد بخشی دیگر نیز، بخش

خصوصی باید تلاش و اهتمام کند که برخی از

این موارد در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته